

در این سه چهار سال اخیر اقداماتی که در خصوص جهان ترک انجام شده، اندازه تمام اقداماتی که در سه دهه اخیر انجام شد، بوده است. چرا باید این تلاش به این شدت گسترش پیدا کند و چرا همزمان تشیع و اقلیت‌های ایرانی در جمهوری آذربایجان منکوب و سرکوب می‌شوند؟ چرا ما نگران جهان ترک هستیم؟ به خاطر اینکه آن چیزی که آنها جهان ترک می‌گویند هیچ ارتباطی به هویت اصیل ایرانی آذری‌ها ندارد و یک هویت شیعی و ایرانی پیشتر در سیانت از هویت تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی ایران یکی از اهداف ژئوکالچرال همین کریدور ادعایی از بین بردن هویت و چسباندن آن به هویت جعلی است.

رزمایشی که ایران انجام داد مقابل روسیه نبود، در آن مقطع مقابل ناتو بود که هشدار داد و نگذاشت جمهوری آذربایجان از این فضا استفاده کند؛ بعد از اینکه این اتفاق افتاد طی دو سال اخیر تحت تاثیر دو فرایند روس‌ها متوجه شدند که بعد از جنگ سوم قریب‌اب که منجر به پاکسازی قومی قره‌باغ و از بین رفتن کریدور لاجین شد، دارند از قفقاز حذف می‌شوند و در ارمنستان هم که دولت غرب‌گرای پاشینیان محدودیت‌ها را علیه روسیه بیشتر می‌کند، روس‌ها با جنگ اوکراین و انسداد ترانزیتی و ژئوپلیتیکی در دریای سیاه و در اروپای شمالی و شرقی مواجه شدند و آنها را به این نتیجه رساند که گویا کریدور جعلی زنگرور آخرین جایی است که می‌توانند به قفقاز برگردند. اینجا نسخه دوم یعنی نسخه روسی مطرح شد. پس روس‌ها وانگیزه‌های مختلف دنبال این هستند که کریدوری در اینجا داشته باشند. مشکلی که وجود دارد این است که اولاً نگاه روس‌ها به این قضیه مثل خیلی از سیاست‌هایی که روسیه در قفقاز داشته، نگاه انحصارگرایانه است، دوم از منظر حقوقی است. متن حقوقی و سند حقوقی برای بحث کریدور در منطقه وجود ندارد.

آذربایجان معتقد است اگر ناتو نتوانست و ترکیه نتوانست روسیه این کار را انجام بدهد، روس‌ها با همین امید که در قریب‌اب ۵ سال صلح برقرار کنند و اتوماتیکوار ۵ سال هم تمدید شود، آمدند و با آذربایجان همراهی کردند و بعد از سه سال اخراج شدند. طبیعی است که در مورد این کریدور هم می‌تواند همین اتفاق بیفتد. حتی اگر به دست روسیه هم باز شود تضمینی وجود ندارد که در دست روسیه بماند. روسیه امروز هم خط ریلی در یارلوس و لیتوانی به استان برونگان خودش داشت ولی الان در لیتوانی کنترلی بر آن ندارد.

برای ما سوال اصلی این است که اگر برای روسیه و برای آذربایجان بحث، ترانزیت است، آن سوی رودخانه با این سوی رودخانه چه فرقی می‌کند؟ نسخه ایرانی نسخه‌ای است که ۳۰ سال است وجود دارد و ما به‌رغم هزینه‌های نگهداری جاده و مباحث امنیتی اجازه دادیم جمهوری آذربایجان سه خاک خودش از طریق خاک ایران وصل شود، امروز اگر بحث حسن همجواری و همسایگی باشد جمهوری آذربایجان باید بیشتر از ایران دنبال کریدور ارس باشد. سه دهه حتی در مواقعی که بدترین نگاه به ایران داشته و روابط دچار تنش بود، ایران این مسیر را حفظ کرد و امروز بهترین مسیر همچنان همین مسیر است.

اگر روس‌ها در وعده‌هایی که به ما دادند صادق نباشند، اگر ما روس‌ها را با روس‌های تزار و روس‌های شوروی نمی‌خواهیم بسنجیم، اگر واقعاً روس‌ها در این مسئله صادق باشند که دنبال کریدور به معنای اینکه حاکمیت ارمنستان و مرزهای بین‌المللی ایران آسیب ببیند نیستند، باید زمینه‌های همکاری را در قالب همان مدل سه به علاوه سه گسترش بدهند؛ مدلی که ایران ۲۰ سال پیش ارائه کرده و همین کریدور ارس مصداق این همکاری هاست چون به نفع همه شش کشور است. امروز اگر فتنه ژئوپلیتیکی ادعایی زنگرور با کمک روس‌ها محقق شود، روس‌ها دچار اشتباه بزرگی می‌شوند؛ به دلیل اینکه ذهن کنونی ایرانیان را به آیفونوسی از ذهنیت منفی تاریخی وصل می‌کنند.

ارمنستان در یک انتخاب تاریخی قرار دارد که بین بقا و فنای ژئوپلیتیکی تصمیم بگیرد و از این منظر کریدور ارس بر خلاف تبلیغاتی که باز در این جنگ شناختی مطرح می‌شود، علیه ارمنستان و رقیب آن نیست بلکه مکملی برای بقای ارمنستان و از بین بردن بهانه‌ها و فشارهایی است که روی ارمنستان وجود دارد. کما اینکه ایران هم‌زمان با آن بحث احداث جاده و بازسازی راه‌های جنوب به شمال را با قرارداد ۲۳۰ میلیون دلاری از سال گذشته پیگیر است تا کریدور خلیج فارس به دریای سیاه از طریق ارمنستان انجام شود و این نشان می‌دهد که ایران از یک نگاه جامع و همه‌جانبه در این موضوع در منطقه پیروی می‌کند.

▼ **ایران الزام حقوقی برای پذیرش خواسته باکو ندارد**
محمدعلی بهمنی قاجار وکیل دادگستری و پژوهشگر تاریخ عضو کمیته بین‌الملل کانون وکلای مرکز نیز در این نشست گفت: آذربایجان تنها کشوری نیست که منطقه برون‌بوم دارد.

کشوری که حد واسط خاک اصلی و منطقه برون‌بوم یک کشوری هست مثل حالتی که ارمنستان الان دارد یا فرض کنید لهستان و لیتوانی نسبت به منطقه برون‌بوم کالینگراد روسیه دارند. این کشور واسط تکلیفی ندارد که منطقه‌ای را در اختیار آن سرزمین اصلی برای اتصال به منطقه برون‌بوم قرار بدهد. اینکه همکاری و مساعدت کند همانطوری که الان ارمنستان اعلام می‌کند و می‌گوید همان گونه‌ای که ایران مساعدت می‌کند من هم با جمهوری آذربایجان برای اتصال مساعدت می‌کنم و این می‌تواند بر مبنای حسن همجواری باشد و اما آیا ارمنستان یا ایران تکلیف دارند که منطقه‌ای را در اختیار جمهوری آذربایجان قرار بدهند یا فرض کنید لهستان و لیتوانی منطقه‌ای را در اختیار روسیه قرار بدهند؟ پاسخ حقوق بین‌الملل به این پرسش منفی است و هیچ تکلیفی وجود ندارد. هیچ رویه حقوقی و رویه قضایی وجود ندارد. حتی می‌توانم بگویم از این بالاتر در دکتربین هم چنین نظری ندیدم یعنی یک عالم حقوق بین‌الملل این را مطرح کند که برای اینکه کشورها بتوانند با برون‌بومشان ارتباط داشته باشند پس

[ادامه دارد...](#)

کشور حدواسط مکلف شود که حتی تسهیلاتی ارائه بدهد. می‌توانیم در ذیل حسن همجواری بگویم که کشوری که حدواسط است، باید تسهیلاتی ایجاد کند، باید راه، مثل همون حالتی که ایران برای جمهوری آذربایجان ایجاد کرده برای اینکه به نخجوان متصل شود؛ بلکه معایرش مبانی متعددی دارد. پس بحث اینکه جمهوری آذربایجان برون‌بوم دارد و ارمنستان باید ارتباط این برون‌بوم و خاک اصلی جمهوری آذربایجان را ایجاد کند، چنین تکلیفی مبنای حقوقی ندارد و بار کردن چنین تکلیفی بر کشوری اتفاقاً معیار حقوق بین‌الملل است. اما در مورد توافق نامه آتش بس همانگونه که از نام توافقنامه پیداست، این معاهده نبوده و الزام حقوقی ندارد و درباره موضوعات قاعده‌ساز حقوق بین‌الملل نبوده است. کشورها گاهی ولو با یک بیبنایی یک‌جانبه اقدامی را ایجاد می‌کنند که منجر به قواعد قانون‌ساز در حقوق بین‌الملل می‌شود اما توافق نامه آتش بس در واقع قواعد قانون‌سازی را در حقوق بین‌الملل ایجاد نکرده است. چیزی به نام تصویب وجود نداشته چراکه اصلاً نیاز و حاجت به تصویب نبوده چون معاهده نبوده این یک یادداشت تفاهم سیاسی بوده و به‌طور خاص و دقیق و کامل، این توافق نامه آتش بس ناظر بر امر موقتی است و اصولاً نمی‌خواهد سازوکار دائمی و ماندگاری ایجاد کند و به‌هیچ‌وجه شان حقوقی ندارد. موضوعیتی این توافق‌نامه بر این مبنا بوده که جمعیتی ارمنی در جمهوری خودخوانده آرتساخ وجود داشته و ارمنستان مایل بوده رابطه با این جمهوری ارمنی نشین قطع نشود و در قبال ارتباط ارمنستان با این جمهوری ارمنی نشین از طریق لاجین یک دالان هم ایجاد شود که آذربایجان با برون‌بومش در نخجوان ارتباط داشته باشد در واقع لاجین در مقابل استان سیونیک یا زنگرور مطرح شده است و وقتی که جمهوری آرتساخ از بین رفته و ارمنستان دیگه علاقه‌ای ندارد که با آن منطقه ارتباط داشته باشد به طریق اولی دالان زنگرور با سیونیک هم منتهی است؛ به عبارت دیگر این توافقنامه به قول ما حقوقی‌ها سالب به انتفاع موضوع شده است. ضمن اینکه روسیه و آذربایجان پیش از ارمنستان این توافق‌نامه را نقض کردند. روسیه بر خلاف تعهداتش صلح بانان خودش را از منطقه خارج کرد و به جمهوری آذربایجان اجازه داد که جمهوری خودش خوانده آرتساخ را اشغال و منحل کند. بنابراین ایجاد این دالان هیچ مبنای حقوی ندارد و تنها بر اساس اعمال فشار و زور به ارمنستان و اینکه ارمنستان به ایجاد چنین دالانی تن بدهد استوار است. اینجا ست که ماهیت سیاسی کریدور مشخص می‌شود که ماهیت دالان ترانسی برای اتصال ترکیه از طریق نخجوان با باکو و آسیای مرکزی است. اصولاً در چند سال گذشته اصطلاح آسیای مرکزی هم در حال حذف است و جایاش را اصطلاح ترکستان می‌گیرد. بنابراین تمام منطقه در پارتی با هم متصل هستند برای اینکه این دالان ایجاد شود اما ماهیت حقوقی این کریدور سلب حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ارمنستان است. تهدید به استعمال زور و تحریم همگی نقض قواعد حق بین‌الملل است. منع توسل به زور صرفاً این نیست که به زور متوسل نشویم بلکه باید از تهدید به استعمال زور هم خودداری کنیم. هر نوع فشاری که از سوی جمهوری آذربایجان یا کشورهای ثالث مثل روسیه و ترکیه یا هر کشور دیگر نسبت به ارمنستان اعمال شود نقض چندین قاعده مهم حقوق بین‌المللی است؛ اول، منع مداخله در امور داخلی دولت‌ها و دوم، اصل احترام به استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورها است و سوم، اصل منع تجاوز. تهدید به تجاوز هم خودش نقض اصل منع تجاوز است و چهارم رعایت حسن همجواری. اما ایران در مقابل این اعمال فشارها چه مسئولیتی دارد؟ در قواعد ناظر بر «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها» مسئولیت دولت‌های ثالث را نسبت به نقض قواعد حقوق بین‌الملل هم داریم. یعنی کشور ایران می‌تواند و حق دارد حتی به عبارتی مکلف است در مقابل نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ارمنستان به عنوان کشور همسایه واکنش نشان بدهد. این حق این است که دفاع کند و براساس قواعد ناظر بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها طیف وسیعی از واکنش‌هاست که ایران می‌تواند انجام دهد. از اعتراض و عدم همکاری و عدم شناسایی تا حتی توسل به قوه نظامی می‌تواند پاسخ دهد. ایران لازم نیست منظر اجازه ارمنستان باشد. لازم نیست پیمان دفاعی مشترک با ارمنستان داشته باشد. به دلیل اینکه قواعد امره حقوق بین‌الملل درباره احترام به تمامیت ارضی و استقلال کشورها نقض می‌شود ایران می‌تواند واکنش نشان بدهد و می‌تواند از ارمنستان در مقابل هر تجاوز، دفاع مشروع کند. چنانچه ارمنستان از ما دعوت کند و درخواست کند که مسلم است و اگر ارمنستان درخواست هم نکند حتی ما می‌توانیم دفاع مشروع کنیم به دلیل اینکه نقض تمامیت ارضی و استقلال و حاکمیت ملی کشورها صرفاً مربوط به آن کشور مورد تجاوز نیست. قواعد امره حقوق بین‌المللی تعهدات عام‌الشمول یعنی تعهدی است که نسبت به همه جهان دارد. فرض کنیم در شرایطی که خود ارمنستان موافقت کند سه مبنا برای مقابله ایران می‌توان در نظر گرفت. یکی بحث اکراه ارمنستان است؛ در اینجا ما می‌توانیم بگویم ارمنستان به صورت آزادانه تن نداد و بحث اکراه و عدم رضایت دولت ارمنستان مشخص است و دولت ارمنستان به زور به این موافقت وادار شده و ما این موافقت زوری را به رسمیت نمی‌شناسیم و حال این واکنش ما باز می‌تواند طیف‌های گسترده‌ای داشته باشد. به‌طور علی‌الاصول این طیف واکنش ما بدون محافظه‌کاری نباید به طیف نظامی وارد شود چون کشورها برای حل و فصل اختلافات خودشان از روش‌های نظامی استفاده نمی‌کنند. مبنای دیگر بحث منافع حیاتی ماست. ارمنستان اگر تن بدهد به چنین کاری، در نتیجه آن خفگی ژئوپلیتیک برای ما به وجود بیاید، در چنین شرایطی منافع حیاتی ملت ما در معرض خطر است و باز در حقوق بین‌المللی هنگامی که منافع حیاتی کشور در معرض خطر باشد می‌توان واکنش نشان داد. موضع سوم بحث دفاع پیشگیرانه است. دکتربین دفاعی پیشگیرانه یک دکترین مطرح در حقوق بین‌الملل بوده است. روس‌ها و امریکایی‌ها هم از آن استفاده کرده‌اند. حقوق‌دانان جهان سموی سعی کرده‌اند این دفاع پیشگیرانه

شنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۳
سال سوم - شماره ۶۱۴
www.hamhianonline.ir

یارد کنند به نفع کشورهایی مثل ما که کشورهای ضعیف‌تری بودیم نیست. اما به هر حال وقتی این ترم، این سلاح، این دفاع پیشگیرانه مطرح در حقوق بین‌الملل ولو به‌عنوان یک دکتری منتهی نیست که ما هم بتوانیم از دفاع پیشگیرانه در صورتی که منافع حیاتی مان تهدید شود استفاده کنیم و به آن توسل بچوبیم چرا که خطرات برای ما در واقع قطعی خواهد بود.

▼ **ترتیبات جدید منطقه‌ای**

عباس آخوندی، وزیر سابق راه و شهرسازی نیز در این نشست از منظر امنیت‌ملی گفت: از نگاه امنیت منطقه‌ای ایران مدت‌هاست حداقل در حالا چه پیش از جمهوری اسلامی از دوره مدرن که با پیمان سعدآباد به نحوی دنبال بین‌اندازی یک‌نوع امنیت منطقه‌ای بود و بعدش پیمان بغداد و پیمان‌های مختلف و چه پس از انقلاب مداوم از بحث امنیت منطقه‌ای صحبت کرده است. امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس و امنیت منطقه‌ای در بحث آسیای میانه و قفقاز، همواره موضوعی است که مورد توجه ایران بوده و هست. به‌رغم ۴۵ سال تاکید ایران بر امنیت منطقه‌ای، ما در وضعیتی هستیم که هم در منطقه خلیج فارس و هم در منطقه قفقاز، یک امنیت ناپایداری را شاهد هستیم. اطرافمان را نگاه بکنیم؛ عراق، یمن، سوریه، لبنان و افغانستان کلاً این منطقه ما ناامن است و همچنان پیام‌های امنیت منطقه‌ای ایران نزد کشورهای جنوب و شمال به رسمیت شناخته نشده و مورد پذیرش قرار نگرفته است. ما همواره از کشورهای منطقه خواسته‌ایم امنیت منطقه‌ای داشته باشیم ولی از این پیام ما استقبال نمی‌کنند؛ نه کشورهای جنوب از آن استقبال می‌کنند و نه کشورهای شمال. در واقع ما به صورت یک‌سویه بحث امنیت منطقه‌ای را مطرح می‌کنیم اما چرا استقبال نمی‌کنند؟ و اگر استقبال نمی‌کنند آیا باید تجدیدنظر کنیم یا نباید تجدیدنظر کنیم؟ در هر صورت بدون امنیت که امکان توسعه وجود ندارد. مگر می‌توانیم با فرض عدم امنیت در این منطقه توسعه داشته باشیم و امنیت هم امنیت پایداری نیست. آیا غیر از ما و ملت‌های منطقه دینفعانی در جهان وجود دارد و آیا ما می‌توانیم یک امنیت منطقه‌ای را مستقل از قدرتهای جهانی تعریف کنیم یا باید مناسبات امنیت‌منطقه را با قدرت‌های جهانی به‌نحوی تعیین تکلیف کنیم؟ این یک سوال بسیار پیچیده، خطرناک و استراتژیک است. تا حالا معمولاً ما در ایران تلاش کردیم که به این سوال فکر نکنیم و از کنار این سوال عبور کنیم و این یک سوال واقعی است. ما می‌خواهیم امنیت منطقه را بدون مداخله نیروهای خارجی تامین کنیم؛ این پیشنهاد ما بوده ولی آیا ترکیه هم حاضر است آن را بپذیرد یا ترکیه اولین کشوری است که رفته با ناتو ارتباط برقرار کرده است. آیا کشورهای حاشیه خلیج فارس هم حاضرند پیشنهاد ما را بپذیرند؟ بنابراین آیا ما همچنان می‌توانیم یک‌جانبه اصرار کنیم که امنیت منطقه را مستقل از قدرت‌های جهانی می‌خواهیم حل کنیم یا باید یک مناسباتی با قدرت‌های جهانی به صورت مستقل تنظیم کنیم؟ این یک بحث بسیار پیچیده است.

در رابطه با موضوع دو کشور آذربایجان و ارمنستان هم همین قاعده را می‌توان مطرح کرد. آذربایجان می‌خواهد با یک برون‌بوم خودش ارتباط برقرار کند ولی لایه بعدی بحث را باید با نگاه گسترده‌تری بحث کنیم. رقابت تاریخی ایران و ترکیه یک سطح دیگر از بحث است. یعنی اساساً این بحث ربطی به آذربایجان و ارمنستان ندارد. رقابت در سطح دیگری صورت می‌گیرد. این ترکیه است که با ایران رقابت می‌کند و تلاش می‌کند ایران را در یک خفگی ژئوپلیتیک قرار بدهد و باز در یک سطح بالاتری هم می‌توان موضوع را بحث کرد که یک نوع حصری است که ناتو و آمریکا از مجرای ترکیه و اسرائیل برای ایران در حال ایجاد هستند.

این موضوع حتماً در لایه باکو و ایروان قابل طرح نیست. این لایه بازیگری جزئی است؛ حداقل لایه که ما باید بحث بکنیم در ارتباط با لایه قدرت‌های منطقه‌ای و رقابت‌های تاریخی ایران و ترکیه است و می‌توانیم در لایه بالاتر بحث کنیم. اگر می‌خواهیم راجع به این موضوع بحث کنیم موضوع را به باکو و ایروان تقلیل ندهیم و این تقلیل بسیار موضوع راهزنی است.

همواره فلات آناتولی و فلات ایران به شکل تاریخی در چند هزار سال گذشته در رقابت با هم بوده‌اند و نمی‌توانیم از این رقابت دو فلات آناتولی و ایران چشم‌پوشی کنیم. این رقابت رقابت ژئوپلیتیک تاریخی است و واقعیت ژئوپلیتیک مفهومی این نیست که به سمت جنگ برویم ولی باید بفهمیم در چار چوب یک رقابت واقعی ژئوپلیتیکی تاریخی، یک پدیدار تاریخی و جغرافیایی، چه استراتژی‌ای باید انتخاب کنیم. این بحثی نیست که دیروز و پرپر زود اتفاق افتاده باشد. با فروپاشی امپراطوری عثمانی بعد از جنگ جهانی اول منطقه هیچ‌وقت روی امنیت را به خودش ندید. به قول آن کتاب صلحی است که تمام صلح‌ها را بر باد داد. با فروپاشی عثمانی کشورهای متعددی در این ۱۰۰ سال در منطقه تشکیل شده که همگی مشکل هویتی دارند؛ از عراق بگیرد تا اسرائیل تا لبنان و اردن و سوریه همه کشورهایی هستند که هیچ‌کدام تاریخ طولانی ندارند. ما الان در منطقه با شکاف‌ها و گسل‌های هویتی مواجه هستیم و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هم از سوی دیگر به این وضعیت دامن زد. ما با کشورهایی در منطقه روبه‌رو هستیم که از جهت تاریخی نمی‌توانیم به آنها ملت بگویم و اینها بیشتر قوم هستند تا ملت و قدرت‌هایی هستند که بر مبنای هویت قومی شکل گرفتند تا هویت‌های ملی و اکثرشان دچار گمگشتگی و بحران هویتی هستند. کار آزر آذربایجان بخشی از تمدن ایران است و نمی‌تواند برای خودش هیچ هویت مستقل از هویت ایرانی تعریف کند. دچار اختلال هویتی است. عراق مدتی بخشی از ایران بوده و یا بخشی از عثمانی نمی‌توانست هویت مستقلی را تعریف بکند و ترکیه و بقیه قدرت‌ها فرصت پیدا کردند که از این گسل‌های هویتی حداکثر سوءاستفاده را داشته باشند. محور اخوانی ترکیه و قطر از این اختلافات در منطقه حداکثر سوءاستفاده را می‌کنند.

دیپلمات‌ها



دعوت از دولت‌های منطقه برای حمایت از لبنان

وزیر خارجه ایران با اشاره به سفر خود به بیروت در بحبوحه حملات گسترده رژیم صهیونیستی، از دولت‌های منطقه خواست در حمایت از لبنان استواری نشان دهند. به گزارش ایسنا، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، که برای دیدار و گفت‌وگو با مقام‌های ارشد لبنانی به بیروت سفر کرده است، خواستار همبستگی کشورهای منطقه با لبنان شد. عراقچی با انتشار ویدئویی از فرود هواییام هینت ایرانی به بیروت، در مطلبی به زبان انگلیسی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «به همراه نمایندگان مجلس هلال احمر در بیروت هستم که صریحاً اعلام کنیم ایران همیشه کنار مردم لبنان ایستاده است.» وزیر خارجه ایران در ادامه نوشت: «ما از سایر دولت‌های منطقه خواستار همبستگی اسرائیل، استواری نشان دهند.»

عراقچی همچنین در دیدار نجیب میقاتی، نخست‌وزیر لبنان «بر ضرورت تلاش همه‌جانبه کشورهای اسلامی و عربی برای تبیین ابعاد اقدامات غیرقانونی و جنایتکارانه رژیم صهیونیستی و بسج ساز‌مان‌ها و نهادهای بین‌المللی برای اقدام جمعی جهت توقف تجاوز اسرائیل تاکید کرد.»



آمریکا در جایگاه متهم کردن دیگران نیست

اسماعیل بقاتی، سخنگوی وزارت امور خارجه گزارش سالانه وزارت امنیت داخلی ایالات متحده آمریکا مبنی بر استفاده برخی کشورها از جمله ایران از هوش مصنوعی برای انتشار اطلاعات جعلی با ترفقه‌افکنانه درباره انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا را بی‌اساس و مردود دانست. سخنگوی وزارت امور خارجه تاکید کرد: «این ادعاهای تکراری و بی‌اساس که چندی است از سوی برخی مقام‌ها و نهادهای آمریکایی مطرح می‌شود، با انگیزه‌های سیاسی است و دارای مصارف سیاسی داخلی می‌باشد.» بقاتی خاطر نشان کرد: «دولت آمریکا که سابقه‌ای طولانی در مداخله غیرقانونی در امور داخلی دیگر کشورها دارد، در جایگاهی نیست که چنین اتهامی را به دیگر کشورها نسبت دهد.»



نخستین گام برای همکاری فراگیر منطقه‌ای

سفیر جمهوری اسلامی ایران در عربستان با اشاره به نشست مشترک وزیران امور خارجه ایران و شورای همکاری خلیج فارس در قطر گفت: «ایران در تقویت همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه و تقویت منطقه‌گرایی برای تحقق توسعه و امنیت جدی است.» علیرضا عنایتی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در عربستان، مشترک وزرای خارجه جمهوری اسلامی ایران و وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری در دوحه، نخستین گام برای یک همکاری منطقه‌ای فراگیر و تلاشی ضروری برای تحقق ایده منطقه‌گرایی است.» وی افزود: «ایران در تقویت همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه و تقویت منطقه‌گرایی برای تحقق توسعه و امنیت جدی است.» وزیران امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس روز پنجشنبه در نشست دو دوحه قطر، آخرین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را مورد بحث و گفت‌وگو قرار داده و بر همکاری و همکاری کشورهای منطقه با یکدیگر در زمینه‌های مختلف تاکید کردند.